



## هنر: شهود مدام عالم

سخنرانی آقای مهندس مصطفی  
میرسلیم وزیر فرهنگ و ارشاد  
اسلامی در مراسم افتتاحیه سومین  
کنفرانس هنرهای تجسمی ۷۴/۱۰/۲

امکان بهبود و رشد دارد آشکار شود. به یقین حاصل کار چنین انجمن مبارکی جز این نخواهد بود، گرچه این همه آثار هنری که در سومین نمایشگاه دوسالانه نقاشی ایران به تماشا گذاشته شده است بهتر از هر زبانی خود سخن می‌گویند و سرّ ضمیر هنرمندان ما را آشکار می‌سازند. در این آثار توجه ایرانی به طبیعت و باورهای دینی او

برای من مایه خوشوقتی و مسرت است که امروز در جمع شما هنرمندان و استادان نقاشی ایران در اجابت به علاقه قلبی خود حضور پیدا کنم. این یک وظیفه مهم، ولی تاکنون بیش‌تر به مسامحه برگزار شده است که با تدقیق و بررسی نمونه‌های زنده مساعی خستگی‌ناپذیر هنرمندان، هم ارزش‌های نهفته در آن‌ها و هم مواردی که

به خوبی دیده می‌شود؛ البته آن توجه در طراحی نقشه‌های قالی ما به صورت عشقی درآمده که از آن هر فرش سجاده‌ای و هر دار قالی محرابی شده است و آن باور دینی نیز در طرح روی ظروف و بر در و دیوار مساجد و حسینیه‌های ما عمیقاً منعکس است. این‌ها همه حاکی از این است که بین هنر و زندگی روزانه و نیز دینداری ما فاصله و انقطاعی نیست. هنرمند مسلمان متن طبیعت و زندگی را مؤمنانه می‌خواند و نیز متن باورهایش را در صحنه‌ای به گسترش آسمان‌ها و زمین هنرمندانه تفسیر می‌کند.

هرچند استعداد آفریدن اثر هنری امانتی و موهبتی الهی است، اما هنرمند هرچه مستعدتر باشد مسئولیتی سنگین‌تر و خطیرتر نیز بر عهده دارد؛ و هنرمند مسلمان به این امر از صمیم دل واقف است. او بنا بر تکلیفی که به سبب برخورداری از این نعمت الهی به دوش دارد، با هنر خود ذهنیت مردم را غنا و حساسیت آن‌ها را تعالی می‌بخشد. مگر نه این است که هنرمند معلم نیز هست؟ او آموزش می‌دهد تا ما اطراف خود را ببینیم، درباره خودمان بیشتر بدانیم و احساسات مان و مکنونات قلبی مان را بهتر بیان کنیم. او خوب می‌داند اصولی که هنرش بر آن مبتنی است همان اصول حیات طیبه است، یعنی تزکیه روح، پاک‌ی نگاه، کار نیک و صبر و شکیبایی. در واقع صبر و شکیبایی را از هیچ کار اصیل نمی‌توان جدا کرد، خواه هنر باشد و خواه زندگی. ای بسا این صبر و شکیبایی خود از بزرگ‌ترین هنرها باشد. هنرمند راستین نه در حسرت آسایش و رفاه، بلکه خویشتاوند است. مشکلات بسیار نیز با شور و شوقی بی‌پایان کار می‌کند، از سپیده صبح تا تاریکی شب. او با تمام سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کند تا به نجات و آب حیات دست یابد.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

و نکته این است که پاداش رنجی که می‌برند،

الهامی است که آن‌قدر در وجودشان چرخ می‌زند تا سرانجام به خلاقیت هنری منجر شود.

این همه شهد و شکرکز سخنم می‌ریزد

اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند

اینان بیش از هر چیز تشنه دیدن، نه مانند کوردلان؛

در جست‌وجوی دانستن، نه مانند بی‌دردان؛ خواهان

حسن‌کردن، نه مانند حیوانات؛ و مشتاق بیان‌کردن، نه

مانند هرزه‌گویانند. همین اخلاص و اصالت است که

شهود مخاطب را برمی‌انگیزد و او را به اندیشه

می‌کشاند، یعنی چنین هنری با ابزار حواس راه تفکر

مخاطب و سپس اوج‌گرفتن آن تفکر و خلاقیتی جدید

را هموار می‌سازد. اگر ما در زبان هنر با قاعده‌ای نهایی

و شیوه‌ای قطعی روبه‌رو نمی‌شویم به این دلیل است

که همواره گام‌های تفکر می‌تواند بر مسیر تازه

و سیاحت‌هایی نو گشوده شود، اما شناخت‌های ما

چه شناخت علمی جزئیات و چه شناخت زیباشناسانه

نظم کیهانی، تا از آبخور علم مطلق الهی سیراب

نشوند، فاعل شناسایی را طمأنینه کشف حقیقت

نمی‌بخشند.

قطره دانش که بخشیدی ز پیش

متصل گردان به دریا‌های خویش

وحی الهی نور روشنایی بخش و عین حقیقت است

و اگر علم و هنر را انس با حقیقت بدانیم، علم و هنری

که به این نور و حقیقت تقرّب نجوید، نه علم و آگاهی

است و نه هنر و هنرمندی، بلکه سرگرمی و فریب است.

هنرمندان نگارگر ما اموری را مشاهده کرده و به تصویر

کشیده‌اند که مجرد، انتزاعی و بعضاً غیر واقعی خوانده

شده است؛ غافل از آن‌که این امور تجسمی از همان

واقعیت است که چون بدان خو کرده‌ایم، نور آن را

نمی‌بینیم و ندای آن را نمی‌شنویم. هنرمند مسلمان

نگاهی تیزبین و بانفوذ و رخوت‌ستیز دارد. او عادات را

در هم می‌ریزد و شکل‌های تازه آفرینش حق تعالی را

می‌بیند و نشان می‌دهد:

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشاکنم تو را

قرآن کریم می‌فرماید: «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» یعنی خداوند هر روز و هر لحظه دست‌اندرکار آفرینشی تازه است؛ همان خلق مدام عالم که در حرکت جوهری ملاحظه (رضوان‌الله تعالی علیه) شرح و بسط یافته است. قرآن کریم از ما می‌خواهد که همگام با آفرینش مدام و مستمر عالم، نگاه نو به آن بیندازیم و در رموز و اسرار بی‌شمار آن تعمق و بر جلوه‌های بدیع آن تأمل کنیم.

چشم هم‌چون حدید هنرمند، این جلوه‌های بدیع و بسیاری جلوه‌های دیگر را که به تبع آن در ذهن نقش می‌بندد خوب می‌بیند و به این دلیل که می‌داند او را تسبیحیت می‌کنند و طیفه دارد این جلوه‌ها را هرچه نزدیک‌تر به حقیقت‌شان به دیگران بنمایاند. ره که چه و طیفه‌ای! ایفای آن جانکاه ولی نتیجه آن روح‌بخش است:

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم  
ای بسی حیرت‌نازک لذت شرب مدام ما  
هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق  
ثابت است بر جریده عالم دوام ما

نگارگری و نقاشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بارزترین جلوه‌های تمدن ایران اسلامی، بهتر از سایر هنرها می‌تواند هویت فرهنگی ما را پاس بدارد. این هنر با سابقه‌ای بسیار طولانی در همین خاک بالیده و شمر داده است و به‌دلیل نگاه عرفانی ما به زندگی، این هنر ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متعالی پیدا کرده است. اگر شما در خطوط و طرح‌های آثار اصیل نقش‌آفرینان این رشته دقت کنید، می‌بینید چگونه آن‌ها از جاذبه زمین رها و چگونه متوجه کانون نورانی هستی می‌شوند و به مراتب برتر وجود رو می‌کنند. هنر مغشوش دنیای آشفته امروز فاقد این ویژگی‌ها و به‌تعبیری معنا‌باخته است و به‌تعبیری دیگر جز درهم‌ریختگی ارزش‌ها و



اغتشاش چیزی را حکایت نمی‌کند. این هنر خواسته و ناخواسته به خدمت تقدیس بُت سودجویی درمی‌آید و چشم را بر ارزش‌های آن بدعهدی و نسیان، می‌بندد. بد همین دلیل نیز توان نزدیک شدن به مخاطبان خود، یعنی توده‌های مردم را نداشته است. من از مهارت که در جای خود اهمیتی بسیار دارد و گویای نظم جسم و قدرت آن است سخن نمی‌گویم، بحث من به روح و درون‌مایه و هویت مستقل و پُررمز و راز اثر برمی‌گردد. البته که هنرمند در شناخت و کاربرد مواد و رنگ‌ها و در ارایه اثر باید مهارت داشته باشد و فن بداند.

به‌وجود آوردن آثار تحسیمی مستلزم کسب مهارت، به‌کارگیری هوشمندی و احساسی قوی است، اما برای این‌که اثری تحقق یابد، سیر و سلوکی باطنی لازم است و در هر حال آنچه تجسم پیدا می‌کند فقط بخشی از جریان عظیم این سلوک عالمانه و هنرمندانه و بی‌انگور گوشه‌ای از خلاقیت، فردیت و یگانگی هنرمند است. تجربه هنری، سلامت روح و روان را می‌طلبد و الاً به گمراه شدن هنرمند و گمراه کردن مخاطبانش می‌انجامد. آثار هنری مقیاس خوبی برای سنجش سلامت اجتماع است و بر اساس همین آثار است که انسان‌شناسان، مورخان و باستان‌شناسان دربارهٔ دوره‌های مختلف زندگی آدمی تحقیق و بررسی می‌کنند و نظر می‌دهند، چراکه ویژگی‌های هر زمانه در آثار هنری آن زمان تجلی می‌یابد. این آثار، بسیاری از وقایع و اطلاعات راجع به گذشته را در خود ثبت و ضبط کرده‌اند. ظاهر خاموشی دارند، ولی برای صاحب‌دلان زبان‌شناس بسیار گویاست: شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند

هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش  
این زبان در بستر تاریخ شفافیت نصیحت و وضوح  
عبرت را یافته است. در یک اثر نقاشی اندیشه‌ای زاده  
می‌شود که با تداوم خلاقیت در آثار بعدی باید به مراتب  
عمیق‌تر و دقیق‌تر بیان شود. آنچه مهم است استمرار این  
کشف و شهود حقایق است. هنر نیز به همین دلیل

اهمیت و ارزش می‌یابد و گرنه صرف هنر برای هنر، بدون ترکیهٔ نفس، بدون پیام و محتوا و بدون اثر یا آثاری سازنده بر مردم، ائتلاف وقت است و غرور و مردگی. بحمدالله هنر در کشور ما همواره پویا، هدفدار و بامعنا بوده است. جاذبهٔ فرهنگ ما برای مردم دنیا، با تمدن‌های مختلف، سرشاری و صداقت، زیبایی و خلوص، لطف و تعهد آن است. وسایل تبلیغی استکبار جهانی می‌خواهند به‌دروغ ما را به دنیا بد جلوه دهند؛ دروغی که خریداری جز بی‌هنران و بی‌خردان و ناآگاهان ندارد. مردم دنیا چه در شرق و چه در غرب از خلاء معنویت رنج می‌برند و بسیار مشتاق فرهنگ کمال‌جو و هنر آرمان‌خواه ما هستند. رسالت امروز هنرمند مسلمان ما پاسخ‌دادن به این اشتیاق و نیاز است. این رسالتی جهانی است و ما توان ایفای آن را به‌خوبی داریم.

امیدوارم این همایش خجسته به نتایج درخشانی برسد و ضمن آرزوی توفیق برای همهٔ شما، از خدای بزرگ خواستارم گام‌های ما را بر صراط مستقیم هدایت و ولایت استوار بدارد.